

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
A	
aberration	انحراف
ability	توانایی
absence	غیبت
absolute scale	مقیاس مطلق
absolute zero	صفر مطلق
absorption	جذب
absorption spectrum	طیف جذبی
accelerate	شتاب دادن
acceleration	شتاب
acceleration of gravity	شتاب ثقل
accentuate	برجسته نمودن، تاکید کردن
accompany	همراهی کردن
accomplish	انجام دادن
accordance	مطابق
account	حساب کردن، محاسبه نمودن
accumulate	انباشتن، جمع شده
accuracy	درستی، صحت، دقت
accurate	دقیق، صحیح
achieve	دست یافتن
acoustics	صوتشناسی، علم صوت
action	کار، عمل
activity	فعالیت
actual	واقعی، حقیقی
addition	افزایش، اضافه
adhesive	چسبنده
adjacent	نزدیک، مجاور
advantage	فایده، سود
aerodynamics	علم مربوط به حرکت اجسام در گازها و هوا
air pollution	الودگی هوا
air resistance	مقاومت هوا
air track	پیگیری کردن هوا
aircraft	هواپیما
airfoil	جسم ایرودینامیکی
airplane	هواپیما
alcohol	الکل
algebra	جبر
allow	پذیرفتن، تصویب کردن
alternating current generator	مولد جریان متناوب
altimeter	ارتفاع سنج
aluminum	فلز آلومینیوم
amber	کهربا، صمغ فسیل شده درخت
ammeter	آمپرسنج
ampere	آمپر
amplitude	دامنه بزرگی، زیاد
analogy	قیاس
analysis	تجزیه و تحلیل
analyze	تجزیه کردن، تحلیل کردن
antinodal line	خط آنتی نودال

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
anemoscope	محدوده باد
aneroid	فشارسنجی که فشار مطلق را اندازه میگیرد جوسنج فلزی، خشکی
aneroid barometer	فشار سنج خشکی
angle	زاویه
antenna	آنتن
antinode	تورم، برآمدگی
antiparticle	ضد ذره
apparent	مشهود، قابل رویت
appendix	ضمیمه، دنباله
applied force	نیروی کاربردی
approach	نزدیک شدن
aquarium	نمایشگاه جانوران و گیاهان آبی
arbitrary	اختیاری
arc	قوس
archer	قوس
Archimedes' principle	قانون ارشمیدس
architect	معماری
area	مساحت
argon	ارگون
Aristotle	ارسطو
armature	میله فلزی، ارمیچر
arrow	پیکان، بردار
arrangement	ارایش، ترکیب
artificial	ساختگی، مصنوعی
artificial radioactivity	رادیو اکتیویته مصنوعی
artillery	توپخانه
aspect	جنبه
assemble	جمع شدن
assume	فرض کردن
assumption	فرض
astronomer	ستاره شناس
astronomical	نجومی
astronomy	علم ستاره شناسی
athlete	ورزشکار
atmosphere	هوا، جو
atmospheric	هوایی، جوی
atom	اتم
atomic energy	انرژی اتمی
atomic mass unit	واحد اتمی جرم
atomic number	عدد اتمی
attach	ضمیمه کردن
attain	دست یافتن
attract	جذب کردن
attraction	جاذبه
attractive	جذاب
audience	حضور، شنودگان
auditorium	تالار سخنرانی
auditory	شنیداری
aurora	سپیده دم، فجر
aurora borealis	فجر شمالی

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
automobile	اتومبیل
average	معدل
average speed	سرعت متوسط
average velocity	میانگین سرعت
axis	محور، قطب
axle	محور، چرخ
B	
back - EMF	نیروی محرکه الکتریکی
baffle	بی نتیجه کردن
balance	موازنه کردن
barometer	فشارسنج
barrel	با سرعت زیاد حرکت کردن، بشکه
barrier	مانع، سد
baryon	باریون، ذره سنگین
base level	تراز ته
basic equation	معادله اولیه
basin	حوزه، ابگیر
basis	زمینه، بنیان
batter	خرد کردن، پی در پی زدن
battery	باتری، باتری
bead (ex., optic bead)	مهره نوری
beaker	لیوان آزمایشگاه
beam balance	تعداد پرتوی
beat	تپش، ضربان
behave	رفتار کردن
behind	عقب، پشت سر
bend	خم کردن
beneath	زیر، پایین
bent	خمیدگی، منحنی
Bernoulli's principle	قانون برنولی
beyond	دورتر، برتر از
billiard	بازی بیلیارد
bimetallic	دو فلزی
bimetallic strip	نوار دو فلزی
binding energy	انرژی پیوندی
binocular	دوربین، دوربین دو چشم
black-hole	چاله سیاه
blade	تیغه
block	انسداد، سد
blue	آبی
blur	تیرگی، نامشخص بنظر آمدن
bob	حرکت تندوسریع، ضربت زدن،
boiling	جوشنده
boiling point	نقطه جوش
boldface	حرف درشت
bolt	رها کردن
Boltzmann constant	ثابت بولتزمن
bond	پیوند
boreal; borealis	شمالی; 8امین مرکز جهانی تولید پلی اتیلن و پروپیلن

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
bounce	پرش
boundary	مرز
bow	خم شدن، تعظیم کردن
bowling ball	توپ بولینگ
bowstring	زه کمان
Boyle's law	قانون بویل
brain	مغز
branch	شاخه
brass	برنج
breeder reactor	راکتور زاینده
brick	اجر
brief	کوتاه، مختصر
bristle	موی زبر
broadcast	پخش کردن
bubble	حباب، جوشیدن
bubble chamber	اتاقک حباب
bug	حشره
bugle	شیپور، بوق
bulge	شکم، تورم
bullet	گلوله، بولت
buoyancy	شناوری
buoyant	شناور، سبک
buoyant force	نیروی شناورسازی
burglar	دزد، سارق منازل
burglar alarm	دزدگیر
by virtue of	به دلیل اینکه
C	
cable	کابل، طناب سیمی
cadmium	کادمیوم
cadmium sulfide	سولفید کادمیوم
calculate	محاسبه کردن
calculus	حساب دیفرانسیل و انتگرال، جبر
calibrate	تنظیم کردن
caloric	مربوط به کالری
caloric theory	نظریه مربوط به کالری
calorie	واحد سنجش گرما، کالری
calorimeter	حرارت سنج
camp	اردو، چادر زدن
camper	کمپ کننده
candelabra	شمعدان
candle	شمع
cannonball	گلوله توپ، سریع السیر حرکت کردن
canoe	نوعی قایق باریک سبک
canyon	دره باریک و تنگ
capable	با استعداد، مستعد
capacitance	توانایی یک عنصر برای ذخیره سازی بار الکتریکی
capacitor	باتری، ذخیره کننده
capacity	گنجایش، صلاحیت
capillary	مویرگ، مویی، باریک

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
capillary action	اثر موینگی
capsule	کپسول
carbon	ذغال خالص، کربن
carbon grain	دانه کربن
carbon tetrachloride	نترا کلرید کربن
carpet	فرش، قالی
carton	کارتن
case	قاب، جا، حالت
cast	در قالب قرار دادن، بشکل درآوردن
catheter	سوند
cathode	کاتد، الکترودمنفی
cathode-ray tube	لوله خلع متشکل از الکترون و یک صفحه فسفری که برای تصویر برداری استفاده می‌شود
cause	سبب، علت
cavity	حفره، کرم خوردگی دندان
celestial	اسمانی
Celsius Scale	درجه سلیوس
cement	سیمان، چسباندن
centimeter	سانتی متر
centripetal	مایل به مرکز
centripetal acceleration	نیروی جانب مرکز
centripetal force	نیروی مرکزگرا
cesium	سزیم
chamber	طاق، حفره
characteristic	مشخصات، مشخصه
charge	هزینه، وزن بار الکتریکی
charged	بار شده
charging by conduction	بارگیری از طریق رسانایی
charging by induction	بارگیری از طریق القا
Charles' Law	قانون چارلز
chimney	دودکش، بخاری
chloroform	کلروفرم
chord	تار، سیم
chromatic	رنگی، پر رنگ
chromatic aberration	خطای رنگی
circuit	مدار
circuit breaker	مدار شکن، برق شکن
circular	گرد، مدور
clarinet	آلت موسیقی
clarity	وضوح، روشنی
clockwise	در جهت ساعت
club	باشگاه، کلوب
cluster	دسته، گروه
cobalt	کبالت
cochlea	حلزون گوش، پلکان پرپیچ و خم
coefficient	ضریب، عامل مشترک
coefficient of friction	ضریب اصطکاک
coefficient of linear expansion	ضریب توسعه خطی
coefficient of volume expansion	ضریب توسعه حجمی
cohesive	چسبناک

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
cohesive force	نیروی چسبندگی
coil	سیم پیچ
coincidence	تصادف، توافق
collect	جمع کردن، وصول کردن
collection	جمع اوری، وصول
collide	تصادم کردن، بهم خوردن
collision	تصادم، برخورد
column	ستون، پایه
combination	ترکیب، آمیزش
combustion	سوختن، سوخت
commercial	تجارتی، بازرگانی
commutator	جابجاگر، الت تغییر دهنده
compare	مقایسه کردن
comparison	مقایسه
compartment	قسمت، تقسیم کردن
compass	قطب نما
complementary	تکمیلی، مکمل
complementary colours	رنگ‌های مکمل
complementary pigment	رنگدانه مکمل
complex	مرکب، پیچیده
component	اجزاء، ترکیب کننده
compress	متراکم کردن
compression	متراکم سازی، تراکم
Compton effect	اثر کامپتون
concave	کاو، مقعر
concave lens	عدسی مقعر
concave mirror	آینه مقعر
concept	مفهوم
concrete	سفت شدن، بتن
concurrent forces	نیروی هم‌رس
condensation	تغلیظ
condense	غلیظ کردن
conduct	جاری شدن جریان الکتریکی در یک ماده، هدایت کردن، بردن
conduction	رسانایی الکتریکی
conductivity	رسانایی
conductor	راه‌نما، هادی رسانا
cone	مخروط، مخروطی
confine	محدود کردن، منحصر کردن
congruent	موافق، متجانس
consciousness	هوشیاری، آگاهی
consequence	اثر، نتیجه
conservation	بقاء، نگهداری
conservation law	قانون بقا
consider	رسیدگی کردن
consist	مرکب بودن از، شامل بودن
consonance	هم‌آهنگی، هم‌صدایی
constant	دائمی، ثابت
constructive	سازنده، سازا
constructive interference	تداخل فزاینده
contact	تماس، اتصال

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
contain	شامل بودن
contract	بیمان بستن، قراردابستن
contraction	انقباض
contrast	مقایسه کردن تفاوت بین سیاه و سفید یا بین رنگها،
control	کنترل کردن، نظارت کردن
control rod	میله کنترل
convalescence	دوره نقاهت
convection	همرفت، جابجایی
convenient	مناسب
converging lens	عدسی همگرا
conversion	تغییر، تبدیل
convert	تغییر چیزی به دیگری، تبدیل کردن
convex	محدب، کوژ
convex lens	عدسی محدب
convex mirror	آینه محدب
copper	مس
cord	ریسمان، طناب نازک، سیم
cornerstone	بنیاد، اساس
corresponding	مطابق، مشابه
cosine	کسینوس
coulomb	کولمب، سیستم بین المللی واحد بار الکتریکی
Coulomb's Law	قانون کولمب
crack	ترک، شکاف
craft	هنر، صنعت
crate	صندوق مشبک
crest	قله، بالاترین درجه
critical	بحرانی
critical angle	زاویه بحرانی
crowded	شلوق، پرجمعیت
crown glass	شیشه گردیاچرخي
crystal	کریستال، بلور
crystal lattice	شبکه بلوري، شبکه کریستالی
crystalline	بلورین، متبلور
cube	مکعب
cubic	مکعبی
cubic meter	متر مکعب
curious	کنجکاو، نادر
curvature	انحناء، خمیدگی
curve	منحنی، خم
cyan	آبی
cycle	چرخه، سیکل
cymbal	سنج، باسنج نواختن
cylinder	استوانه، سیلندر
D	
damage	ضرر، خسارت
dart	بسرعت حرکت کردن، حرکت تند، پیکان
data	داده
de Broglie Principle	دوبروي اصول
decay	پوسیدن، فاسد شدن

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
deceleration	کاهش سرعت
deci	یک دهم
decibel	دسیبل [واحد صوت]
decimeter	یک دهم متر
deck	عرشه، عرشه کشتی، کف سطح
decrease	کم کردن، کم شدن
define	معین کردن، تعریف کردن
definite	روشن، معلوم
deformation	دگر دیسی، کجی
degree	درجه
deka = deca	واحد دکا، ۱۰
decameter	ده متر
deliver	تحویل دادن
demonstration	عمل نشان دادن
density	انبوهی، تراکم
depend	وابسته بودن
dependent variable	متغیر وابسته
derive	مشتق شده از
derived unit	واحد فرعی
descend	پایین آمدن، نزول کردن
descent	نسب، نژاد
design	طرح کردن، قصد کردن
destructive	ویرانگر، مخرب
destructive interference	تداخل ویرانگر
detection	ردیابی، کشف
detector	کشف کننده، آشکارگر
determine	تعیین کردن
deviate	منحرف، منحرف شدن
device	دستگاه، ابزار، وسیله
dewdrop	شبنم، قطره
dew point	نقطه شبنم
diameter	قطر دایره
diamond	الماس، لوزی
diaphragm	میان پرده، دیافراگم
differ	اختلاف داشتن، تفاوت داشتن
difference in electric potential	اختلاف در پتانسیل الکتریکی
diffract	باجزاء تقسیم شدن، انکسار نور
diffraction	انکسار
diffraction grating	توری پراش
diffuse	پخش شده، افشاندن
diffuse reflection	افشاندن، پخش کردن
digit	انگشت، رقم، عدد
dimension	اندازه، بعد
dimmer	تار، تاریک، تیره کردن
dip	شیب، غوطه دادن
direction	مسیر، جهت
directly	مستقیماً، سر راست
discover	کشف کردن
disintegrate	متلاشی شدن یا کردن، تجزیه کردن

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
disorder	بی نظمی
disperse	پراکنده کردن
dispersion	تجزیه نور، تفرق
displace	جابجا کردن جانشین
displacement	جانشین سازی، تغییر مکان
disprove	رد کردن، تکذیب کردن
disregard	نادیده گرفتن
dissipate	از هم پاشیدن
dissonance	ناهماهنگی
distance	فاصله، دوری
distant	دور
distort	کج کردن، از شکل طبیعی انداختن
distortion	انحراف
distribute	پخش کردن، توزیع کردن
disturb	اشفتن، بر هم زدن
disturbance	اشفتگی
dive	غواصی کردن، فرو رفتن
diver	غواص
diverge	از هم دور شدن
diverging lens	عدسی های واگرا
divide	تقسیم کردن
divider	تقسیم کننده، جداکننده
division	دسته بندی، طبقه بندی
dock	لنگرگاه، جاخالی کردن
dockhand	کارگری که در بندر کار می کند
dog	سگ
domain	قلمرو، حوزه
Doppler	تغییر تن صدای خود رویا موتور یا بی سیم
Doppler effect	اثر برگشت امواج روی فرستنده
Doppler shift	تغییر مکان دوپلری
double	دو برابر
double slit diffraction	انعکاس شکاف دوگانه
drag	کشیدن
draw	رسم کردن، بیرون کشیدن
drop	قطره، چکه
droplet	قطره کوچک
drum	طبل
ductility	شکل پذیری، نرمی
dust	غبار، گرد
dynamics	مکانیک حرکت
E	
ear	گوش
eardrum	پرده گوش
echo	طنین، انعکاس صدا
eclipse	کسوف یا خسوف، تحت الشعاع قرار دادن
eclipse of the sun	افتاب گرفتگی
ecological	بوم شناختی
ecology	بوم شناسی
economical	مقرون به صرفه

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
effect	اثر، نتیجه
effective	عامل موثر، قابل اجرا
effective resistance	مقاومت موثر
effectively	بطور موثر
efficiency	کارایی، فعالیت مفید
effort	کوشش، تلاش
Einstein	اینشتین
elastic	کش دار، قابل ارتجاع
elastic collision	برخورد کشسان
elasticity	قابلیت ارتجاع
electric	برقی، الکتریکی
electric current	جریان برق
electric field	میدان الکتریکی
electric field intensity	شدت میدان الکتریکی
electric field line	خطوط میدان الکتریکی
electric force	نیروی الکتریکی
electric generator	مبدل برق
electric potential	پتانسیل الکتریکی
electrode	قطب الکتریکی، الکترود
electromagnet	اهنرَبای مغناطیسی
electromagnetic	الکترو مغناطیسی
electromagnetic force	نیروی الکترو مغناطیسی
electromagnetic induction	القای الکترو مغناطیسی
electromagnetic wave	موج الکترو مغناطیسی
electromagnetism	خاصیت مغناطیسی
electromotive (EMF)	متحرک بوسیله برق
electron	الکترون
electron cloud	ابر الکترونی
electroscope	برق سنج
elevator	اسانسور
eliminate	حذف کردن، محو کردن
ellipse	بیضی
elongation	افزایش طول
embed	جاسازی کردن، جادادن
emerge	بیرون آمدن
emergency	حیاتی، مهم، اورژانس
emission spectrum	طیف نشری
emit	منتشر کردن
empirical	تجربی، عملی
enable	قادر ساختن
emit enclose	بستن انتشار
encounter	مواجه شدن، روبرو شدن
energetic	فعال، دارای انرژی
energetic state	فعال، دارای انرژی
energy	انرژی
energy crisis	بحران انرژی
energy level	سطح انرژی
engineer	مهندس
enormous	بزرگ
enrichment	غنی سازی

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
enter	داخل شدن
entropy	واحد اندازه گیری ترمودینامیک انتروپی،
equation	معادله، برابری
equator	ناحیه استوایی
equilibrant	متعادل
equilibrant force	نیروی متعادل
equilibrium	تعادل
equilibrium position	وضع تعادل
equipment	تجهیزات
equivalent	معادل
erect	قائم، راست
essence	ذات، ماهیت
essentially	ضروری
ether	اتر
evaporate	تبدیل به بخار کردن
evaporation	تبخیر
evenly	هموار، صاف
evenness	همواری
eventually	سرانجام
evidence	مدرک
except	مستثنی کردن
exception	استثنا
excited state	حالت برانگیخته
exert	اعمال کردن
exhaust	تخلیه کردن، خروج، تخلیه
exhibit	در معرض نمایش قرار دادن
exist	وجود داشتن
expand	توسعه دادن
expansion	گسترش، بسط
expect	انتظار داشتن
expel	اخراج کردن
experiment	ازمایش کردن
explore	اکتشاف کردن
exponent	شرح دهنده، توان
exponential	تشریحی
exponential notation	نماد نمایی
exposure	در معرض قرار گرفتن
express	بیان یا شرح
extend	تمدید کردن
external	بیرونی، خارجی
external force	نیروی بیرونی
extrapolation	برون یابی
extreme	بینهایت، خیلی زیاد
extremely	بشدت
F	
faint	ضعف کردن، غش کردن
Farad	واحد گنجایش برق
farsightedness	دوربینی
feat	شاهکار

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
fiber	رشته، تار
fiber optics	فیبر نوری
fiction	افسانه
field	میدان
filament	رشته، تار
final velocity	سرعت نهایی
finger	انگشت
first law of motion	قانون اول حرکت
first neutron	نوترون اول
first-order-line	مرتبۀ اول خط
fission	شکافت هسته ای
fixed	ثابت
flame	شعله
flare	شعله
flatten	پهن کردن
flick	تکان ناگهانی
flint glass	بلور
float	شناور بودن
fluid	مایع
fluorescent lamp	لامپ فلورسنت
flute	فلوت زدن
flux	جاری شدن
focal	مرکزی، کانونی
focal length	طول کانونی
focal point	نقطه کانونی
focus	متمرکز ساختن، کانون
fog	مه گرفتن
force	نیرو
force of friction	نیروی اصطکاکی
fork	سه شاخه، دوشاخه
form	شکل، ترکیب
fraction	شکستگی
frame	قاب، چارچوب
frame of reference	چارچوب دایری
framework	چارچوب
freedom	استقلال
free-fall	سقوط آزاد
freezing point	نقطه انجماد
Freon	فرئون
frequency	فراوانی
frequently	بارها
friction	اصطکاکی
frictional	اصطکاکی
frictionless	بی اصطکاکی
frozen	منجمد یا یخ زده
fundamental	بنیادی
fur	خز
furthermore	به علاوه
fuse	فیوز، گداختن، آمیختن

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
G	
gain	سود، منفعت
galaxy	کهکشان
galvanometer	برق نما ، گالوانومتر
galvanic	برقی
galvanic cell	پیل شیمیایی
Gamma ray	اشعه گاما
gap	شکاف
gas	گاز
gas law	قانون گازها
gaseous	گازی
gasoline	گازولین، بنزین
gauge	پیمانانه، مقیاس
Geiger-Muller tube	لوله گایگر مولر
general theory of relativity	نظریه نسبیت عمومی
generate	تولید کردن
germanium	ژرمانیوم ، نوعی عنصر شبه فلز
giga	بیلیون
give	واگذار کردن، دادن
glance	برق زدن
glass	شیشه، عدسی
glider	هواپیمای بی موتور
gluon	گلوئون
gold	طلا
govern	کنترل کردن
gradual	تدریجی
gradually	بتدریج
grain	حبوبات
grains	دانه ها
gram	گرم ، یک هزارم کیلوگرم
graph	نمودار
graphical	مربوط به چیزی که گرافیکی نشان داده شده است
grating	توری
gravitation	جاذبه
gravitational field	میدان جاذبه
gravitational force	نیروی جاذبه
gravitation mass	جرم جاذبه
gravitation potential energy	انرژی پتانسیل جاذبه
graviton	واحد بنیادی فرضی گرانش ، گراویتون
gravity	جاذبه
green	سبز
ground state	حالت پایه
grounding	زمین کردن
gyroscope	ژیروسکوپ
H	
Half-life	نیم عمر
halt	ایست

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
hammer	چکش
handle	دسته
harmonic	هماهنگ همساز
harmonious	هماهنگ
haul	حمل و نقل
headlamp	نور افکن
heat	گرما
heat effect	اثر گرمایی
heat engine	موتور گرمایی
heat of fusion	حرارت مورد نیاز برای ترکیب شدن
heat of vaporization	گرمای تبخیر
heat pump	تلمبه گرمایی
specific heat	گرمای ویژه
heavy	سنگین
hecto	پیشوندی به معنای یکصد
hectometer	هکتومتر، صد متر
height	ارتفاع، بلندی
Heisenberg uncertainty principle	اصل عدم قطعیت
helicopter	هلیکوپتر
Helium	هلیوم
hence	از اینرو، بنابراین
Hertz	هرتز، یک سیکل در ثانیه
high temperature source	منبع حرارت بالا
hiker	فردی که به گردش پیاده روی میرود
hilly	پر از تپه
hockey	هاکی روی یخ
hollow	توخالی
Hooke's law	قانون هوک
horizontally	بطور افقی
horn	بوق، کرنا، شپیور
huge	بزرگ
hull	بدنه، جدار
hydraulic	ابی، مربوط به آب
hydraulic system	سیستم هیدرولیک
hydrogen	هیدروژن
hydrodynamics	علم هیدرو دینامیک
hydrostatics	علم تعادل مایعات
I	
ideal	ایده آل، دلخواه
ideal gas	گاز ایده آل
ideal gas law	قانون گاز ایده آل
ideal mechanical advantage (IMA)	مزیت مکانیکی ایده آل
ignite	اتش گرفتن
ignition	احتراق، اشتعال
illuminance	شدت روشنایی
illuminate	چراغانی کردن
illuminated body	بدن روشن
illumination	روشنایی
illusion	فریب

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
image	تصویر
imagine	حدس زدن
immerse	فرو بردن، غوطه ور کردن
immersion	غوطه وری
immersion heater	گرمکن غوطه ور
impart	بهره مند شدن
implication	معنی، مستلزم بودن
impossible	غیر ممکن، امکان نا پذیر نشدنی
impulse	تکانه، ضربه
incandescent	ملتهب
incandescent lamp	لامپ روشنایی
incident	حادثه، واقعه
Incident pulse	ضربه ناگهانی
Incident wave	موج ناگهانی
incision	بریدگی، شکاف
inclined	مایل، کج، شیبدار
Inclined plane	سطح شیبدار
incompressible	تراکم ناپذیر
increase	زیاد شدن
independent variable	متغیر مستقل
independence	استقلال
Index of refraction	ضریب انکسار
indicate	نمایش دادن
indication	نشان، اشاره
individual	منحصر بفرده
induction	القاء، اندوکسیون
inductive reactance	مقاومت القایی
inelastic	تغییر نا پذیر، سفت
inelastic collision	برخورد ناکشسان
inertia	سکون
inertial mass	جرم ساکن
inexpensive	کم خرج
inflate	متورم شدن
influence	نفوذ، تاثیر
initial	آغاز کردن
initial momentum	حرکت اولیه
initial velocity	سرعت اولیه
inner ear	گوش داخلی
input	ورودی
insect	حشره
insert	داخل کردن
instant	لحظه، فوراً
instantaneous	انی
instantaneous speed	تندی لحظه ای
instantaneous velocity	شتاب لحظه ای
instantaneously	فوراً
instead	در عوض
instrument	دستگاه
insulate	جدا کردن، مجزا کردن
insulator	عایق کننده

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
intake	نیروی جذب شده
integer	عدد صحیح
integrate	کامل کردن، درست کردن
integrated circuit	مدار مجتمع
intensity	شدت
interaction	فعل و انفعال
intercept	محل تقاطع
interfere	مداخله کردن
interference	تداخل، مداخله
intermediate	واسطه، میانجی
internal	درونی، داخلی
internal energy	انرژی داخلی
internal force	نیروی داخلی
interparticle	بین ذره ای
interpretation	تفسیر، تعبیر
interrupt (to)	قطع کردن
interstellar	بین ستاره ای
interval	فاصله
interlock	بهم پیوستن
invent	اختراع کردن
inverse	وارونه، معکوس
inverse variation	تنوع معکوس
inversely	معکوسا
invert	وارون کردن
investigate	رسیدگی کردن
inward	درونی
ion	یون
iridium	اریدیم
iron	اهن، اطو
irrigate	ابیاری کردن
isolate	مجزا کردن
isolated system	سیستم منزوی
isotope	جسم ایزوتوپ، همسان
J	
jet plane	هوا پیمای جت
jeweler	جواهر فروش
joule	ژول
Jupiter	مشتری
K	
Kelvin	کلوین
Kelvin scale	مقیاس کلوین
kidney	کایه
kilo	کیلو
kilogram	کیلوگرم
kilometer	کیلومتر
kilopascal	کیلو پاسکال
kilowatt	کیلو وات
kilowatt hour	کیلووات در ساعت

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
kinematics	جنبش شناسی
kinetic energy	انرژی جنبشی
kinetic molecular theory	تئوری حرکت ملکولی
kinetic theory	تئوری حرکت
knapsack	کوله پشتی
knob	برآمدگی، گره
krypton	کریپتون
L	
laboratory	ازمایشگاه
lack	فقدان، نداشتن
laser	لیزر
lattice	شبکه
launch	شروع کردن
law	قانون
law of action and reaction	قانون عمل و عکس العمل
law of conservation of momentum	قانون حفظ حرکت
lawn	چمن
lawn mower	ماشین چمن زنی
lead	سرب
leak	سوراخ بودن
ledge	برآمدگی
left-hand rule	قانون چپ دست
legend	شرح علائم
length	درازاء، طول
lengthen	دراز کردن
lens	ذره بین
Lenz's Law	قانون لنز
lepton	لپتون
level	سطح، میزان
lever	اهرم
Leyden Jar	بطری لید که برای ذخیره انرژی الکتریکی به کار میرود
liberate	ازاد کردن
librarian	کتابدار
lift	بلند کردن
light	روشن، سبک
light wave	موج نوری
likewise	همچنان
line	ریسمان
linear	خطی
linear accelerator	شتابدهنده خطی
linear equation	معادله خطی
liner	خطی
lip	لبه، کناره
liquefy	گداختن، تبدیل به مایع کردن
liquid	مایع
liter	لیتر
literally	بطور تحت اللفظی
location	موقعیت، محل
lodestone	اهن ربا

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
longitudinal	طولی
longitudinal wave	موج طولی
loudness	بلندی، رسائی
loudspeaker	بلندگو
low	پایین، ضعیف
low temperature sink	سینک دمای پایین
lubricant	مواد روغنی
lumen	لومن، واحد تابش
luminous	روشنی
luminous flux	جریان نور
luminous intensity	شدت روشنایی
lunar	قمری
lunar module	واحد قمری
lung	شش
M	
magenta	جوهر قرمز
magnet	اهن ربا
magnetic	مغناطیسی
magnetic field	میدان مغناطیسی
magnetic field line	خط میدان مغناطیسی
magnetic flux	جریان مغناطیسی
magnetic induction	القای مغناطیسی
magnetism	اهن ربابی
magnification	بزرگ نمایی
magnify	درشت کردن، تقویت کردن
magnifying glass	ذره بین
magnitude	بزرگی، مقدار
maintain	نگهداری کردن
malleability	قابلیت انعطاف
manner	وضعیت، وضع
manufacture	ساختن، تولید کردن
mass	جرم، توده
mass defect	نقصان جرم
mass number	عدد جرمی
mass spectrograph	طیف نگار جرمی
massive	حجیم، توده
mathematical science	علم ریاضی
mathematically	بقانون ریاضی
mathematician	ریاضیدان
matter	موضوع، مهم بودن
matter wave	موج مادی
maximum	بیشترین
mean	میانه، متوسط
measurable	قابل اندازه گیری
measurement	اندازه گیری
mechanical advantage	مزیت مکانیکی
mechanical energy	انرژی مکانیکی
mechanical force	نیروی مکانیکی
mechanical wave	موج مکانیکی

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
medical	پزشکی، طبي
medium	متوسط، معتدل
mega	مگا
megahertz	میلیون هرتز، مگا هرتز
megawatt	یک میلیون وات
melt	ذوب کردن
melting point	نقطه ذوب
membrane	غشاء
mercury	جیوه
mercury barometer	هواسنج جیوه ای
meson	مزون
metabolism	سوخت و ساز
metal runner	قسمت متحرک فلزی
meteorology	علم هواشناسی
meteoroid	سنگ آسمانی
methanol	متانول
method	متد، روش
meticulously	با دقت زیاد
metric system	سیستم متریک
micro	کوچک
microfarad	میکروفاراد
microphone	میکروفن
microprocessor	ریز پردازنده
microscope	ذره بین
microscopic	میکروسکوپی
microwave	ریز موج
middle ear	گوش میانی
Milky Way Galaxy	کهکشان راه شیری
milli	میلی
milliampere	یک هزارم امپر
millibar	یک هزارم فشار جو
milligram	یک هزارم گرم
milliliter	یک هزارم لیتر
millimeter	میلی متر
mirage	امر خیالی، وهم
mirror	آینه
mix	مخلوط کردن
mixed	امیخته
mixture	مخلوط
moderate	معتدل، ملایم
moderator	تعدیل کننده
modification	تغییر
modify	تغییر دادن
module	اندازه گیری، حدود
mole	مول، مولکول گرم
molecule	مولکول
momenta	لحظات
momentum	اندازه حرکت
motion	حرکت، جنبش
mouthpiece	دهن گیر

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
mower	ماشین چمن زنی
mud	گل، رسوب
multiple	چند برابر
multiplication	ضرب، افزایش
multiply	ضرب کردن، تکثیر کردن
muon=meson	مزون
mutual	متقابل، دوجانبه
mutually	"متقابلاً"
muzzle	مانع فعالیت شدن
N	
Nano	نانو
nanometer	نانومتر
nanosecond	نانوثانیه
naphtha	نفتا، بنزین سنگین
nasal	وابسته به بینی
natural	طبیعی
nature of the surface	ماهیت سطحی
nearsightedness	نزدیک بینی
negative	منفی، خنثی کردن
negative charge	بار منفی
neon	نئون
net force	نیروی خالص
neutral	بیطرف، بی اثر
neutrino	ذره کوچک فراری یا جرم در حال سکون
neutron	نوترون
newton	نیوتون، واحد نیرو در سیستم متریک
Newton	نیوتون، واحد نیرو در سیستم متریک
Newton's First Law of Motion	قانون اول حرکت نیوتون
Newton's Second Law of Motion	قانون دوم حرکت نیوتون
Newton's Third Law of Motion	قانون سوم حرکت نیوتون
nickel	نیکل
nitrogen	نیتروژن
nodal	گره
nodal line	خط گره
node	گره
non perpendicular component	جزئی غیر عمودی
non perpendicular component of vector	جزئی غیر عمودی بردار
normal force	نیروی طبیعی
north pole	قطب شمال
North Pole	قطب شمال
Northern Hemisphere	نیمکره شمالی
northern light	فجر شمالی
notation	یادداشت
note	نوشتن، توجه کردن
nuclear	هسته ای
nuclear bombardment	بمباران هسته ای
nuclear model	مدل هسته ای
nuclear potential energy	انرژی پتانسیل هسته ای
nuclear reaction	واکنش هسته ای

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
nuclei	هسته ها
nucleon	هستک
nucleus	هسته
nuclide	اشکال اتمي
numerically	از حیث عدد
O	
obey	اطاعت کردن، اجرا کردن دستور
oboe	نی
observable	قابل مشاهده
observation	مشاهده
observatory	رصد خانه
observe	مشاهده کردن
obstacle	مانع
obtain	بدست آوردن
occupy	اشغال کردن
occur	رخ دادن یا اتفاق افتادن
octagon	هشت وجهی
octagonal	هشت ضلعی
octave	نتهای هشتگانه موسیقی
Ohm	اهم، واحد مقاومت برق
Ohm's Law	واحد مقاومت برق
opaque	مبهم، کدر
operation	بهره برداری
oppose	مخالفت کردن
optical	نوری
optical density	چگالی نوری
optics	علم بینایی، فیزیک نور
orbit	مدار
organ	عضو، اندام
orientation	جهت، جهت یابی
origin	بنیاد، منشأ
oscillate	نوسان کردن
oscillation	نوسان
oscilloscope	نوسان سنج
outer ear	گوش بیرونی
outlet	روزنه، مجرای خروج
output	تولید، بازده
outward	خارجی، بیرونی
oval	بیضی شکل
overall	روبیم رفته، کلی
overload	زیاد پر کردن
overlook	چشم انداز
overtones	بالا تن
oxygen	اکسیژن
P	
painstakingly	زحمت کش
palm	نخل خرما، کف دست
parabola	سهمی

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
parabolic	سهمی شکل
parachute	چتر هوایی
paraffin	پارافین
parallax	زاویه شکست نور
parallel	موازی، برابر
parallel connection	اتصال موازی
parallel force	نیروی موازی
particle	ریزه، ذره
particle accelerator	شتابده
Pascal	پاسکال
Pascal's Principle	قانون پاسکال
patch	بهم جور کردن، تکه
path	جاده، راه
pavement	پیاده رو، کف خیابان
peculiar	عجیب و غریب، ویژه
peculiarity	حالت ویژگی
pendulum	پاندول
performer	ایفا کننده
perimeter	پیرامون، محیط
period	دوره، مدت
periodic	نوبتی، نوبت دار، متناوب
permanently	بطور ثابت
perpendicular	عمودی
perpendicular force	نیروی عمود بر
perpendicularly	"عمودا
perspective	نما، چشم انداز
perspiration	عرق کردن
phase	فاز
phenomena	پدیده ها
phenomenon	پدیده
philosopher	فیلسوف
phosphor	فسفر
phosphorescence	فسفرسانس
photoelectric effect	اثر فوتوالکتریک
photoflash	مخصوص عکاسی در شب
photography	عکسبرداری
photo resistor	مقاومت عکس
photovoltaic	قدرت زای نوری، فتو ولتائیک
photovoltaic cell	مبدلی که مانند سلول فتوالکتریک تابشهای الکترومگنتیک را با طول موجهای مرئی و نزدیک ان به الکتروسیته تبدیل میکند
physical	فیزیکی
physical phenomena	پدیده های فیزیکی
physicist	فیزیک دان
physics	فیزیک
Pico	پیشوندی به معنای 01 به توان منفی 21
Pico farad	پیکوفاراد
pier	پایه پل، لنگرگاه
piezoelectricity	فیزوالکتریک
pig	خوک، قالب ریخته گری

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
	شمش، اهن تازه ریخته
pigment	رنگدانه
pile	توده، کپه
pinna	لاله گوش
pipe	میله
pistol	هفت تیر
piston	میله متحرک، پیستون
pitch	قیر، پرتاب
pith	مغز تیره
pith ball	توپ صخره ای
plane mirror	آینه مسطح
planet	سیاره
plasma	پلازما
plastic	قالب پذیر، نرم
platinum	پلاتین یا طلاي سفید
plot	نقشه، طرح
plunge	فرو رفتن، شناور شدن
polarity	قطبیت
polarized	قطبی شده
plane polarized	صفحه قطبی شده
polarization	پلاریزاسیون، قطبش
polarizer	دوقطبی کننده
pole	قطب
pollution	الودگی
Pound	واحد وزن
portion	قسمت، بخش
position	موقعیت، وضع
positive	مثبت، قطعی
positive charge	بار مثبت
positron	پوزیترون، ذره کوچک مثبت
possess	دارا بودن
postulate	شرط اصلی، لازمه
pot	گلدان، محفوظ داشتن
potential	پتانسیل
potential energy	انرژی پتانسیل
potentiometer	پتانسیل سنج
pour	جاری شدن، باریدن
power	توان نیرو، برق
practical	عملی
precise	دقیق
precisely	بدقت
precision	دقت، درستی
predict	پیشگویی کردن
predominate	نفوذ قاطع داشتن
prefix	پیشوند
preliminary	مقدماتی
pressure	فشار
presumably	احتمالا

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
prevent	بازداشتن
previous	قبلي
previously	قبلا
primary	اوليه
primary coil	کویل اوليه
primary color	رنگ اوليه
primary pigment	رنگدانه اوليه
principle	اصل، قاعده
principal axis	محور اصلي، محور مبداء
principal focus	تمرکز اصلي
principal focal point	کانون اصلي
principle of superposition	اصل بر هم نهي
prism	منشور
probability	احتمال
probe	کاوش، کاویدن
procedure	رويه، روش
process	فرايند، پردازش کردن
productivity	بازدهي، بهره وري
programmable	قابل برنامه ريزي
prohibit	ممنوع کردن
project	طرح، نقشه
projectile	تصويرکننده، جسم پرتاب شده
projectile motion	حرکت پرتابه
propel	حرکت دادن
property	ويژگي، ملک
proportional	متناسب، به نسبت
proportionality	تناسب
proportionality constant	ثابت تناسب
propose	پيشنهاده کردن
proton	پروتون
protractor	نقاله، زاويه سنج
prove	ثابت کردن، در آمدن
proximity	نزدیکی، مجاورت
puck	یک دستگاه ورودی گرافیمی دستی و کنترل شده با دست که برای قرار دادن مختصات روی یک لوح گرافیکی بکار می رود
puddle	مخلوط کردن، گل الود کردن
pull-tab	کشیدن برگه
pulley	قرقره
pulsar	پالسار، تب اختر
pulse	تپش، ضربان
pump	تلمبه، تلمبه زنی
push	فشار دادن
putty	بتونه، اب بندي
Pythagorean	فیثاغورثي
Pythagorean theorem	قضيه فیثاغورس
Q	
quadrangular	چهارگوش
quality	کيفيت

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
quantity	کمیت
quantize	تدریجی کردن
quantum mechanics	مکانیک کوانتومی
quantum number	عدد کوانتومی
quantum theory	نظریه کوانتومی
quark	کوآرک
quark model nucleon	نوکلون مدل کوآرک
quotient	خارج قسمت، نتیجه تقسیم یک عدد بر دیگر
R	
raceway, racetrack	نهر، محل عبور سیم برق در ساختمان، مسیر مسابقه
racquet	راکت
radial	شعاعی
radially	شعاع وار
radiation	تابش، پرتو
radiator	رادیاتور، گرما افکن، بخاری
radio	رادیو، رادیویی
radio wave	موج رادیویی
radioactive	رادیواکتیو
radioactive decay	واپاشی پرتوزا
radioactive material	مواد رادیواکتیو
rainbow	رنگین کمان
raise	بالا بردن، بالا کشیدن
ramp	سطح شیب دار
random	تصادفی
range	محدوده
rank	رتبه بندی
ray	شعاع، پرتو
ray optics	اشعه نور
razor	تیغ
reaction	واکنش
readily	به آسانی
real	حقیقی
real image	تصویر حقیقی
realistic	واقع گرایانه
rebound	ضربه برگشت، جهش
reciprocal	دو طرفه
recombine	دوباره ترکیب کنید
recognize	تشخیص دادن
rectangular	مستطیل
red	قرمز
redefine	دوباره تعریف کردن
reed	الت موسیقی بادی
reestablish	دوباره برقرار یا تاسیس کردن
refer	مراجعه کردن
reference	مرجع
reference point	نقطه مبنا
reflect	منعکس شدن
reflection	انعکاس
refraction	شکست، انکسار

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
refrigerator	یخچال
regard	توجه، ملاحظه
region	منطقه، بوم
register	ثبت کردن، نگاشتن
regular reflection	انعکاس منظم
regulate	تنظیم کردن
reinforce	تقویت کردن
reinforcement	تقویت
relate	شرح دادن
relationship	ارتباط
relatively	نسبتاً
relativity	نسبیت
release	رها کردن، آزاد کردن
remain	بقایا
remainder	باقیمانده، مانده
remove	برداشتن
renew	تجدید کردن
repeat	تکرار کردن
repel	رد کردن، دفع کردن
repetitious	تکراری
replace	جایگزین کردن
represent	بیان کردن نشان دادن
repulsion	دفع
repulsive	دافع
research	پژوهش کردن
resist	مانع شدن
resistance	مقاومت
resistor	مقاومت
resolve	حل کردن یا شدن
resolving power of lens	قدرت تفکیک عدسی
resonance	رزونانس، تشدید
respective	مربوطه
response	پاسخ، واکنش
restatement	باز گویی
restoring force	نیروی بازگرداننده
resultant	برایند، جمع برداری، منتهی
retain	نگهداشتن
retina	شبکیه چشم
reveal	معلوم کردن
reverse	معکوس کردن
revolve	گردش کردن، گرداندن
rheostat	رئوستا، مقاومت متغیر
ribbon	روبان، نوار
ridge	مرز، لبه، شیار دار کردن
right angle	زاویه قائمه
rigid	سفت و محکم
ripple	موج دار شدن
ripple tank	مخزن موج دار
rise	برخاستن
rivet	محکم کردن، بهم میخ زدن

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
robot	ادمک
robotics	روباتیک
rocket	موشک
rocking	جنبش
roll	لوله
rope	طناب
rubber ball	توپ لاستیکی
rush	حمله، یورش
S	
sac	کیسه
sack	در کیسه ریختن
sag	خم شدن، فرو نشستن
sailor	دریانورد
sap	شیره
satellite	ماهواره
saxophone	ساکسوفون
scaffold	دار بست فلزی
scalar	نردبانی شکل
scalar quantity	کمیت عددی
scale	مقیاس
schematic	نموداری
scientific	علمی
scientific method	روش علمی
scientific notation	نشان گذاری علمی
scintillation	درخشش
scissors	قیچی
screen	پرده
screw	پیچ دادن
screwdriver	اچار پیچ گوشتی
scuba	وسيله مانند غواص در زیر آب
sea level	سطح دریا
seal	مهر وموم کردن، خوک ابي
second	مجدد، ثانیه
secondary	فرعی
secondary coil	پیچک ثانوی
secondary color	رنگ ثانویه
secondary pigment	رنگدانه ثانویه
second left-hand rule	دومین قانون چپ دست
second-order line	خط دوم مرتبه
selenium	سلنیم
self-inductance	خود-القایی
semiconductor	نیمه رسانایی
sensation	احساس
sense	حواس پنجگانه
sensitive	حساس
separate	جدا کردن
separated	جدا
series	دنباله، سری
series connection	اتصال سری

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
series-parallel circuit	مدار سریال موازی
sewing	دوزندگی
sewing needle	سوزن خیاطی
shadow	سایه
shape	شکل
share	سهم
ship builder	سازنده کشتی
shirt	پیراهن
short circuit	اتصال کوتاه
shot-putter	عکسبرداری
shovel	بیلچه، بیل زدن
shrink	کوچک شدن
sidewalk	پیاده رو
sideway	یک طرفه
significant	معنی دار
significant digit	رقم معنی دار
silicon	سیلیکون
silk	ابریشم
silver	نقره
simple harmonic motion	حرکت هماهنگ ساده
simple machine	دستگاه ساده
simplify	ساده کردن
single-flit diffraction	پراش یک شکاف
sink	چاهک، فرو بردن
sine	سینوس
sinus	سینوس
sinkable	نشست کردنی
siren	اژیر
skating	اسکیت بازی
skydiver	چتر باز
sled	سورتمه
sliding friction	اصطکاک لغزشی
slightly	اندکی
slit	شکاف، درز
slope	شیب دار
smokestack	دودکش
smooth	صاف
snap	گسیختن
Snell's Law	قانون اسنل
snowmobile	اتومبیل برفی
socket	جای شمع
sodium	سدیم
solar	خورشیدی
solar cell	سلول خورشیدی
solid	ماده جامد، سفت
solid state	حالت جامد
solidity	استحکام
solution	محلول
sonar	ردیاب صوتی
soot	دوده

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
soprano	صدای زیر
sound wave	موج صوتی
South Pole	قطب جنوب
spacecraft	فضاپیما
spark	جرقه زدن، جرقه
specific	مخصوص
specific heat	گرماي ویژه
speck	نقطه، خال
spectrometer	طیف سنج
spectroscope	طیف بین
spectrum	بینایی، طیف
speed	سرعت
sphere	کره
spherical	کروی
spherical aberration	خطای کروی
spider web	پیچک تار عنکبوتی
spill	ریزش
spin	چرخش
spiral	مارپیچی
split	شکافتن، دو نیم کردن
spoiler	فاسد کننده
spontaneously	خودبخود
spoon	قاشق، با قاشق برداشتن
spray	سمپاشی کردن، پاشیدن
spread	پخش کردن، گسترده
spring	بهار، چشمه
sprinkle	پاشیده شدن، پاشیدن
square	مربع، توان دوم
standard atmospheric pressure	فشار جوی استاندارد
startling	تکان دهنده
state	وضعیت چیزی، حالت
standing	ایستاده، راکد
standing wave	موج ایستاده، موج ساکن
static friction	اصطکاک ساکن
static electricity	الکتریسیته ساکن
statics	مبحث اجسام ساکن
stationary	ساکن، ثابت
steam	بخار آب
stem	محور، ساقه میله
step-down transformer	کاهش دادن ولتاژ مبدل
step-up transformer	نصب کردن مبدل
stick	چسباندن
stiffness	سفتی، سختی
still	ساکن، آرام
stimulate	تحریک کردن
stimulated emission	انتشار تحریک شده
stitch	بخیه زدن
stone	سنگ
store	انبار کردن، ذخیره کردن
straight	راست، مستقیم

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
straighten	راست کردن یا شدن
strain	تغییر شکل
straw	نی
strength	مقاومت، قدرت
stretch	کشش، انبساط
strike	ضربه زدن، برخورد
string	رشته، سیم
strip	لخت کردن، باریکه، نوار
strobe	لامپ
strobe light	نور حاصل از لامپ عکاسی
strobe photography	لامپ عکاسی
strong nuclear force	نیروی هسته‌ای قوی
structure	ساختار
subatomic	وابسته به پدیده‌های درون اتمی
submarine	زیر دریایی
submerge	زیر آب کردن، غوطه ورساختن
substance	جسم، ماده
substitute	جانشین کردن، تعویض کردن
subtraction	کاهش، تفریق
succession	پیامی، توالی
suddenly	ناگهانی
sufficiently	بقدر کفایت
sulfide	سولفید
summarize	خلاصه کردن
superposition	قرار دادن چیزی روی چیز دیگر
supersonic	فراصوت
support	حمایت کردن، تأیید کردن
surface	سطحی
surface tension	کشش سطحی
surface wave	موج سطحی
surgery	جراحی
surplus	اضافه، زیادی
suspect	مظنون
suspend	معلق کردن
Swedish	اهل سوئد
sweep	جاروب کردن
swing	متحرک
swing seat	صندلی متحرک
swirl	چرخش، حرکت چرخشی
symbol	نشان، علامت
symmetrical	متقارن
synchrocyclotron	سیکلوترون
systematic	سیستماتیک
systematic method	روش سیستماتیک
T	
table	جدول
tangent	تماس، تماس
tank	تانک، مخزن
technique	تکنیک

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
technologist	حرفه شناس
telescope	تلسکوپ
temperature	دما
temperature scale	مقیاس دما
temporary	موقتی
tend	گرایش داشتن
tendency	گرایش
tensile	کششی
tension	کشش
terminal velocity	سرعت حد
terrestrial	زمینی، خاکی
tesla	تسلا، واحد چگالی یا انبوهی شار مغناطیسی در سیستم متریک
tetrachloride	تتراکلراید
The Law of Conservation of Energy	قانون بقای انرژی
The Law of Conservation of Momentum	قانون بقای حرکت
The Law of Reflection	قانون انعکاس
The first law of Thermodynamics	قانون اول ترمودینامیک
The second law of Thermodynamics	قانون دوم ترمودینامیک
theoretical physicist	فیزیکدان نظری
theory	نظریه
theory of relativity	نظریه نسبیت
thermal	حرارتی
thermal energy	انرژی گرمایی
thermal equilibrium	تعادل گرمایی
thermal expansion	انبساط حرارتی
thermodynamics	ترمودینامیک
thermometer	دماسنج
thermometry	دماسنجی
thermonuclear	گرما- هسته ای
thermonuclear reaction	واکنش گرما- هسته ای
thermostat	تنظیم کننده هوای سرد
thin	نازک
thin film	لایه نازک
thorium	توریم
thread	نخ، ریسمان
threshold	استانه
throat	گلو
thumb	شست
tide	جزر و مد
tighten	سفت کردن
tightly	سفت، محکم
tilt	شیب داشتن
timbre	طنین، دایره زنگی
time	وقت، زمان
tiny	ریز
tire	لاستیک
tissue	بافت
tolerate	مدار کردن
toner	جوهر، تونر
tongue	زبان

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
torr	واحد فشار
torsion	پیچشی
torsion balance	ترازوی پیچشی
total internal reflection	کل انعکاس درونی
tower	برج، قلعه
tractor	تراکتور یا ماشین شخم زنی
train	قطار
trajectory	گذرگاه، مسیر
trampoline	توری که در اکروبات از آن استفاده میکنند، ترامپولین
tranquilizer	مسکن
transducer	مبدل
transfer	انتقال
transformer	تبدیل کننده
transistor	ترانزیستور
translucent	نیمه شفاف
transmission	انتقال، عبور
transmit	انتقال دادن
transmitted wave	موج انتقالی
transmutation	تبدیل، تغییر شکل
transparent	شفاف، ناپیدا
transverse	عرضی
transverse wave	موج عرضی
trench	خندق، گودال
triangle	مثلث
trigger	اسلحه
trigonometry	مثلثات
trillion	تریلیون
trombone	ترومبون، شیپوری دارای قسمت میانی متحرک
trough	ایشخور
trumpet	شیپور، شیپور زدن
tuba	شیپور بزرگ
tube	لوله
tune	آهنگ صدا
tuning fork	دوشاخه
tungsten	تنگستن
tunnel	تونل، تونل ساختن
turbulent	متلاطم، اشفته
twice	دو برابر
twirl	چرخیدن
twist	پیچ خوردگی، پیچیدن
U	
ultrasonography	سونوگرافی
ultrasound	فراصوت
unaffected	تأثیر ناپذیر
unavailability	غیر قابل دسترس
unbalance	نامتعادل
unbalance force	نیروی نامتعادل
uncertainty	نامعلومی، تردید
unchanged	عوض نشده

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
undergo	تحمل کردن، دستخوش
undiminished	کاهش نیافته
uniform	یکنواخت
uniform acceleration	سرعت یکنواخت
uniform circular motion	حرکت دورانی یکنواخت
uniformly	بطور یکسان، بطور یکنواخت
unit	واحد
units of force	واحدهای نیرو
universe	جهان کیهان
unknown	ناشناخته، مجهول
unsteady	متغیر، بی ثبات کردن
upright	راست، عمودی
upward	بطرف بالا
utensil	دستگاه، وسیله
V	
vacuum	خلاء
valid	معتبر، قانونی
value	ارزش، بها
vapor	بخار
vapor state	حالت بخار
vaporization	بخار سازی، تبدیل به بخار
vaporize	تبخیر کردن، تبخیر شدن
variable	تغییر پذیر، متغیر
variation	تغییر پذیری، وابسته به تغییر و دگرگونی
variety	تنوع، گوناگونی
various	گوناگون، مختلف
vector	بردار
vector quantity	کمیت برداری
vector resolution	تجزیه و تحلیل برداری
vector sum	حاصل جمع برداری
vein	رگه سیاهرگ،
velocity	تندی، سرعت
verification	بازبینی، رسیدگی
vertex	راس، قله
vertically	بطور عمود، راست
vibrate	لرزیدن، تکان خوردن
vibrational motion	حرکت ارتعاشی
violate	شکستن، نقض کردن
virtual	مجازی
virtual image	تصویر مجازی
viscous	چسبناک
viscous liquid	مایع چسبناک
visible	قابل رویت
visualize	تجسم کردن
vocal	صوتی
vocal cord	سیم صوتی
volatile	فرار
volatile liquid	مایع فرار
volt	ولت، واحد نیروی محرکه برقی

PHYSICS GLOSSARY – HIGH SCHOOL LEVEL

English	Farsi
voltaic	پیل
voltaic cell	پیل ولتا
voltage	ولتاژ
voltage divider	مقسم ولتاژ
voltage drop	افت ولتاژ
voltmeter	فشار سنج
volume	حجم
vowel	صدادار
W	
water pollution	الودگی اب
wave speed	سرعت موج
weak force	نیروی ضعیف
X Y Z	
X-rays	اشعه ایکس
X-value	ارزش ایکس
Xerox	زیراکس کردن
Y-value	ارزش y
yellow	زرد
zinc	فلز روی